

بل مونی

ترجمہی نوشین ابراہیمی
تصویرگر: مارگریٹ چمبرلین

کیتی

دفتر آئنٹن پاره



چاپ
دوازدهم

آخه چرا نه؟

چرا
هیچ کس
توضیح نمی دهد؟



آخه چرانه؟

مادر فریاد زد: «کیتی!» و قبل از آنکه کیتی فرصت کند توضیح بدهد که چون حال معلم‌شان خوب نبوده، به آن‌ها هیچ تکلیفی نداده، به خاطر حاضرجوابی‌اش مجبور شد به اتاقش در طبقه‌ی بالا برود.

روز بعد، بچه‌ها، سه نفری با هم مشورت کردند. ویلیام غمگین گفت: «مادر من پول تو جیبی‌ام را قطع کرد.» رُزی آه بلندی کشید و گفت: «مادر من هم گفت اگر مؤدب نباشم، از مرغ سوخاری خبری نیست. و اصلاً فرصت نداد که توضیح بدهم!»

ویلیام گفت: «درست مثل مادر من.

کیت، نقشه‌ات مؤثر نبود.»

کیتی احساس گناه

می‌کرد. او فکر کرده بود

که اگر با بزرگ‌ترها مثل

خودشان رفتار کنند و بعد

برای‌شان توضیح بدهند، آن

وقت همه‌ی مادرها قول

می‌دهند که هر وقت بچه‌ها

می‌پرسند: «چرانه؟» نگویند:

